



التماس پوتین از کره شمالی

گرانت شاپس، وزیر دفاع بریتانیا در اظهاراتی ضدروسی عنوان کرده که رئیس جمهور روسیه تلاش می کند سلاح های مورد نیاز خود را برای تداوم حملاتش علیه اوکراین به واسطه کره شمالی تامین کند. شاپس در این رابطه عنوان کرده است: «ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به متحدانی که برایش باقی مانده اند التماس می کند تا برای تقویت حملاتش به اوکراین سلاح در اختیار مسکو قرار دهند.» اظهارات شاپس پس از گزارش جان کربی، سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید مطرح شد که در گفت و گو با خبرنگاران ادعا کرده بود روسیه اخیراً از موشک های بالستیک کوتاه بردی که از کره شمالی تهیه شده بود در حملات هوایی متعدد خود در سراسر اوکراین استفاده کرده است. کربی در ادعاهای مطرح شده اش گفته بود انتقال تسلیحات بین دو کشور موضوعی نگران کننده در جنگی است که روابط بین مسکو و واشنگتن را تیره تر کرده است.



افشای مذاکرات حساس تل آویو و قاهره

یک منبع آگاه مصری از مذاکرات امنیتی میان مقامات مسئول در مصر و کابینه اسرائیل درباره اوضاع نوار غزه خبر داد و اعلام کرد، مذاکرات از حدود دو هفته پیش در کمیته مشترک نظامی و امنیتی بین دو طرف ادامه دارد. این گفت و گوها مربوط به امنیت منطقه مرزی مشترک و برنامه های منطبق بر توافق کمپ دیوید است. روزنامه قطری «العربی الجدید» با انتشار این خبر نوشت: «در این مذاکرات، درخواست های مقامات دولت اشغالگر مبنی بر احیای یک پروژه قدیمی مربوط به تامین امنیت نوار مرزی بین استان سینای شمالی و نوار غزه، علاوه بر منطقه مرزی بین مصر و سرزمین های اشغالی فلسطین بررسی می شود.» این منبع آگاه مصری تصریح کرد: «راستی در مورد این پروژه بین مقامات سرویس های امنیتی هر دو طرف پیشرفت زیادی داشت، تا این که به دلیل امتناع مصر از صدور بیانیه هشدار برای طرف اسرائیلی در مورد هرگونه تخلف در این منطقه، به طور کامل متوقف شد. زیرا مصر تأکید دارد، این موضوع حاکمیتی است و فقط مربوط به خودش است و طرف اسرائیلی حق دخالت مستقیم در آن را ندارد.»



درخواست برای تشکیل ارتش اروپایی

وزیر خارجه ایتالیا، آنتونیو تاجانی در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی La Stampa گفت، اتحادیه اروپا باید ارتش ترکیبی خود را تشکیل دهد که می تواند در حفظ صلح و جلوگیری از درگیری ایفای نقش کند. تاجانی ضمن بیان اینکه همکاری نزدیکتر اروپا در زمینه دفاع برای حزب فورزا ایتالیا که او رهبری می کند، اولویت است، ادعا کرد: «اگر می خواهیم حافظان صلح در جهان باشیم، به یک ارتش اروپایی نیاز داریم و این پیش شرط اساسی برای داشتن یک سیاست خارجی مؤثر اروپایی است.» به گفته تاجانی، «در جهانی با بازیگران قدرتمند مثل ایالات متحده، چین، هند، روسیه با بحران هایی از خاورمیانه تا منطقه هند-اقیانوس آرام، شهروندان ایتالیایی، فرانسوی یا اسلونیایی تنها می توانند با چیزی که از قبل وجود داشته، یعنی اتحادیه اروپا، حفاظت شوند.» به ادعای روزبرتر، همکاری دفاعی اروپا از زمان حمله تقریباً دو سال پیش روسیه به اوکراین، افزایش داشته اما تلاش ها بیشتر روی گسترش ناتو متمرکز بوده است.

نکند. اما بین این و اسموتریج و بن گویر، اگر فکر می کنید همه شان یکی هستند، به نظرم اشتباه است. ما از سال ۲۰۰۹ زندگی در دوران نتانیاهو را تجربه کرده ایم که با استیصال کامل، فقدان افق سیاسی و نبود امیدی برای راه حل سیاسی همراه بوده است. گانتز و دیگران کوتاه مدت در دولت بودند که اختیار کافی برای تغییر مسائل به شکل واقعی را نداشتند. در دوران رهبری آنها، عملیاتی از سوی حماس و جهاد اسلامی در داخل اسرائیل انجام شد و آنها هم واکنش نشان دادند. زندگی برای فلسطینی ها همچنان یکسان بود. من مردم را به خاطر دیدشان سرزنش نمی کنم اما اگر گانتز و یائیر لاپید به جای اسموتریج و بن گویر در اسرائیل صاحب اختیار باشند، فکر می کنم تفاوت زیادی از نظر شیوه زندگی وجود خواهد داشت.

می فهمم که حمایت از حماس حالا به دلایل مختلفی که مربوط به بمباران غزه و اتفاق هایی از این قبیل است، بیشتر شده است. آیا هیچ حسی وجود دارد که اقدامات حماس - همانطور که در اتفاقی که تعریف کردید برای خودتان افتاده - سختی های بیشتری برای فلسطینی ها به وجود آورده؟

آیا کسی هست که اینطور فکر کند؟ قطعاً، بله، به نظرم از افرادی که بهای بالایی پرداخت کرده اند (حمله حماس) را واقعاً یک اشتباه می دانند. این یک تصور پیچیده ای از غزه است. اما کرانه باختری متفاوت است چون کرانه باختری که تحت کنترل حماس نیست و بدون اینکه نقشی در این حملات داشته باشد، دارد مجازات می شود و واقعاً به زندگی تحت اشغال و تحمل ادامه مجازات ها با بآس واکنش نشان می دهد.

تصور کنید اگر پس از حملات هفتم اکتبر حماس، اسرائیل با کشتار پینگ پنگی مبارزان و رهبران حماس تلافی کند سپس از فلسطینی ها بپرسید «نظرتان درباره حمله به غیرنظامیان اسرائیلی چیست؟» به نظرم اکثریت فلسطینی ها پاسخ می دهند «ما با آن مخالفیم». مشکل این است که پس از حمله به اسرائیلی ها، درگیری ای به وجود آمد که نوزادان و زنان کشته می شدند و این صحنه ای را به وجود آورد که به هیچ وجه امکان نداشت کسی بگوید: «به عنوان یک فلسطینی، من با کشتار غیرنظامیان اسرائیلی مخالفم.» این یک واقعیت بسیار تلخ تری است که بگوییم: «نه به تلفات فلسطینی ها فکر نکنید. روایت اسرائیل را بپذیرید که حماس مقصر این اتفاق است چون آنها پشت غیرنظامیان پنهان شده اند.» در لحظه بسیار بدی از درگیری خود قرار گرفته ایم، تا جایی که فکر می کنم مشکل فقط برقراری صلح پس از این جنگ نیست. ما حتی پایین تر از پذیرش حق موجودیت یکدیگر قرار داریم.

می توانید کمی بیشتر درباره آنچه برای دولت آمریکا انجام داده اید، توضیح دهید و نسبت به شیوه برخورد دولت آمریکا با این شرایط در سه ماه گذشته چه احساسی دارید؟

قبل از آنکه کنسول گری آمریکا در اورشلیم تعطیل شود، من مشاور سیاسی سرکنسول آمریکا بودم. من نقطه تماس بین تشکیلات خودگردان فلسطینی و کنسول گری آمریکا بودم. بنابراین در دوران دومین انتفاضه زندگی کردم. دوران دولت بوش را دیدم. در دوران اول و دوم اوباما بودم و بعد از آن هم تا زمانی که کنسولگری بسته شد در دوران ترامپ.

حمایت دولت بایدن از ورود اسرائیل به جنگ واقعاً غافلگیری بزرگی نبود. ایالات متحده واقعاً دکمه ای ندارد که بتواند آن را خاموش کند که به سادگی بگوید: «رئیس جمهور! نمی خواهد ادامه دهید». به نظرم یکی از بزرگترین مشکلات، زمان بازرشی بود که به دلیل نپرداختن به مسئله اصلی درگیری اسرائیل و فلسطین تلف شد. دولت اجازه داد تا حواس ها به سمت بهتر شدن زندگی فلسطینی ها تحت اشغال تغییر کند مثل ارائه خطوط اینترنتی 4G که تشکیلات خودگردان به جای تمرکز بر مسیر مهمی که می تواند در نهایت به راه حل منجر شود. اما نمی خواست هیچ کدام از این کارها را انجام دهد. حتی قول و قرارهایی که دولت بایدن برای بازگشایی کنسولگری داده بود، زیر پا گذاشته شدند.

به همین ترتیب با ابزارهای مدیریت درگیری با آسان گیری تمام برخورد کرد. زمانی که اوضاع در کرانه باختری تشدید شد، دولت کاری از دستش بر نمی آمد. سپس همه چیز در هفتم اکتبر منفجر شد و اینکه آمریکا با وجود ماهیت وحشتناک آن حملات از اسرائیل حمایت کرد، خیلی تعجب برانگیز نبود. اما به نظر زمان آن رسیده که هر آنچه لازم است انجام شود تا از اهرم واقعی استفاده کرد. چون اگر دولت کنونی اسرائیل تحت رهبری نتانیاهو و دولت دوم بن گویر و اسموتریج کنترل را به دست آورد، شرایط از بد به بدتر تبدیل می شود که در آن هیچ چشم اندازی از راه حل دیده نمی شود. این فقط ادامه رنج و بدبختی فلسطینی ها و یهودیان خواهد بود.



مباراست

فلسطینی های غزه یا کرانه باختری و مجازات دسته جمعی داشته باشند، آیا به نظر شما دولت اسرائیل مخصوصاً پس از هفتم اکتبر، نهادی منسجم با برنامه ای منسجم است؟

فردی مثل گانتز واقعاً از مکتبی است که اساساً می گوید، ما باید راه حلی برای درگیری اسرائیل و فلسطین از طریق جدایی پیدا کنیم. او به راه حل کلی دوکشوری نمی رسد اما می گوید: «ما باید از فلسطینی ها جدا شویم.» در حالی که کسی مثل اسموتریج درباره از بین بردن آرمان های ملی فلسطینی ها صحبت می کند.

کمی از برداشت شما تعجب کردم، چون شنیده ام که فلسطینی ها می گویند نسخه ای از «بله، قطعاً. گانتز مثل بن گویر و اسموتریج آدم وحشتناکی نیست، او هر لحظه مشغول لفاظی های نژادپرستانه، تحقیر و تعصب نیست اما اساساً با افرادی مثل گانتز در قدرت هیچ چیزی واقعاً تغییر نخواهد کرد.»

نباید تعجب کنید. همانطور که به شما گفتم ۲۰ سال با دولت آمریکا کار کردم. من یک فلسطینی اهل رام الله هستم. واقعاً فکر نمی کنم که گانتز به سمت راه حل دوکشوری پیش می رود. فقط می گویم که این رویکرد در قبال درگیری اسرائیل و فلسطین با رویکرد اسموتریج متفاوت است. آنها را مشابه هم نمی بینم. برخلاف برخی از فلسطینی ها فکر نمی کنم که اگر گانتز در کنست اسرائیل اختیار کافی داشته باشد، به سمت جدایی برود، حتی اگر توافقنامه استراتژیکی از نوع پایان درگیری وجود نداشته باشد. اما فکر می کنم شرایطی ایجاد شود که می تواند احتمال آن را تقویت کند و مسیری را شروع کند که به جایی ختم شود. می تواند روندی خسته کننده و دردناک باشد و تمام فلسطینی ها را راضی

احتمالاً به سقوط اطلاعاتی و دفاعی اسرائیل مرتبط است. فکر می کنم اجماع کلی در اینجا وجود دارد که بخش راست گرای دولت اسرائیل، با اسموتریج و بن گویر و نتانیاهو، علاقه دارند تا جایی که امکان دارد جنگ را ادامه دهند. راست گرایان افراطی در دولت به قول خودشان می خواهند هویت ملی و آرمان های فلسطینی ها را از بین ببرند و آنها را تسلیم خود کنند و اگر بتوانند آنها را بیرون کنند. آنها تلاش می کنند با بمب گذاری و کشتار شدید غیرنظامیان، آنها را، چه داوطلبانه چه غیرداوطلبانه، (از غزه) بیرون کنند و در کرانه باختری هم با اقدامات و مجازات دسته جمعی مردم را به فکر ترک کردن یا حداقل شکستن مقاومت شان مجبور کنند.

اما فکر می کنم وزیرانی مثل گانتز و افراد دیگری که به مکتب دیگری تعلق دارند، وجود دارند که می خواهند با درگیری اسرائیل و فلسطینی ها به روش متفاوتی برخورد کنند. ما هنوز ندیده ایم که در ملامت با این موضوعات مخالفت کنند، شاید به خاطر دلایل مسائل داخلی خودشان یا چون فکر می کنند جنگ باید رخ دهد اما این در نهایت نقطه شروع ایدئولوژی های مختلف و دو دولت متفاوت اسرائیلی است.

من به شخصه کارشناس نظامی نیستم اما به نظر نمی رسد که اسرائیلی ها، شاخه های نظامی حماس و دیگر جناح ها را از بین برده اند. (جنگ) می تواند سال ها ادامه داشته باشد و نهاد سیاسی حماس به دلیل سطح حمایتی که از سوی فلسطینی ها و نه فقط در غزه جلب می کند، بزرگتر می شود. حماس ممکن است نیمی از حمایت عمومی در غزه را از دست بدهد اما به دلیل استیصال و برای مقاومت در برابر اسرائیل و مجازات دسته جمعی اش ماشین جوهره کشی بزرگی در کرانه باختری دارد.

پس حتی اگر نتانیاهو بخواد جنگ را به دلایل سیاسی ادامه دهد، حتی اگر افرادی مانند بن گویر و اسموتریج ایده های طولانی مدتی در باره پاکسازی

